

5

گات [Gát]: از ریشه اوستائی کاتا، به معنی سرود. گات ها، از کهن ترین سرودهای جهان است. مشخصات گات ها را میتوان در وجود ملودی های ساده و یک صدائی بدون هارمونی که معمولاً در گام های بزرگ (ماژور) ارائه میشده است و یک نواختی وزن، اصوات زیر و یک هجائی بودن آهنگها بر اساس تطابق یک نت و یک هجا از سرودها، خلاصه نمود. گاتاها مورد استفاده دیگر ادیان نیز قرار گرفته است، نظیر: ترتولیان مسیحی.

گاتاخوانی [Gátá Xáni]: در ایران باستان، خواندن بخش مهمی از اوستا را که بصورت آوایی بوده، گاتا خوانی می گفتند.

گاتار [Gátár]: از سرودها و الحان نیایشی در موسیقی محلی کردستان.

گارمون [Garmon]: از آلات بادی، دارای جعبه که هنگام نواختن با دو دست گیرند و پرده های تکمه مانند آنرا با انگشتان فشار دهند.

نام های دیگر این ساز عبارت است از: گارمن، گارمان، قارمون و قارمان که ریشه از گارمونیای روسی دارد. نوع تکامل یافته گارمون، آکوردئون است. گارمون بیشتر در آذربایجان و شهرستانهای شمال شرقی ایران نظیر، قوچان رواج دارد.



Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

گاسپاریان، هویک [Hovik Gasparyan]: موسیقیدان، آهنگساز و رهبر کُر در تهران که پس از انقلاب ۵۷ به آمریکا مهاجرت نمود و اینک در این کشور به فعالیت اشتغال دارد.

گالاندریان، نیکول [Nikol Galantaryan]: آهنگساز، موسیقیدان و رهبر کُر که در سال ۱۸۸۱ میلادی در شهر آخن بلغارستان بدنیا آمد. در سال ۱۹۱۱ به ایران و تهران مهاجرت نمود و در مدرسه هایکازیان به امر تدریس موسیقی پرداخت. او سالها با سمت معلم موسیقی در شهرهای مشهد و سبزوار خدمت کرد.

نیکول گالاندریان، در سال ۱۹۴۸ میلادی چشم از جهان فرو بست.

گالوبه [Galube]: سازی است از آلات موسیقی بادی چوبی و وسعت صدای آن دواکتاو، و از فلوت زیرتر است. دازای این ساز حدود ۳۰/۹ سانتی متر است.

گام [Gam]: الگوئی هشت صدائی از اصوات یا نت ها که در آن نت ها به تربیت زیر و بمی در پی یکدیگر قرار میگیرند. در زبان فارسی به آن نردبان موسیقی میگویند. اصوات اصلی موسیقی هفت است و آخرین آن یا هشتمین نت گام، اکتاو بالای نت اول آن است. هر گام با احتساب نت اکتاو اول، هشت درجه است. نت های گام را درجات آن گام گویند.

گام ابن سینا [Game ebne-Sina]: گام ابن سینا، شامل ۱۸ نغمه یا ۱۷ فاصله است. ابن سینا، موفق شد غیر از می بمل فیثاغورثی به نسبت ۳۲/۲۷ به نغمه ای آشنائی پیدا کند که فارابی هم بوجود آن پی نبرده بود. ابن سینا پرده ای به نسبت ۱۶/۱۵ را شناخت.

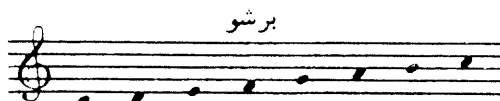
گام ابو عطا [Game abu-Ata]: گام ابو عطا با شور تفاوتی ندارد و تنها اختلاف این دو، در توقف مکرر روی درجه چهارم (نت شاهد) و درجه سوم (نت ایست) است.

گام اسحاق موصلی [Game Eshaq Museli]: این گام متشکل از نت های دو، ر، می بمل، می و فا بود. و در هر دانگ، پرده زائد وجود ندارد.

گام انتقال محدود [Game Enteqale Mahdud]: گامی با ۹ درجه از اصوات و نت ها به ترتیب چهار فاصله پرده و چهار فاصله نیم پرده که به تناوب میان درجات قرار گرفته اند.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o حوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

گام بالارونده [Gâme Bâlâravande]: نت‌ها وقتی بطرف بالای حامل حرکت می‌کنند، نسبت بهم زیرتر میشوند. این سلسله نت را که بطرف بالای حامل میرود و بهمین ترتیب هر نتی از ما قبل خود زیرتر میشود، گام بالارونده یا برشو گویند.
 فارابی اولین کسی است که در تشریح موسیقی در زمان خود به این گام اشاره کرده است.



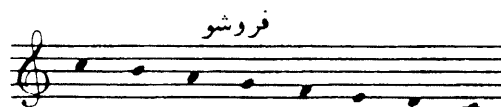
گام بزرگ [Gâme Bozorg]: گام بزرگ یا ماژورگامی است که فواصل درجات آن نسبت به تنیک: دوم بزرگ، سوم بزرگ، چهارم و پنجم درست، ششم و هفتم بزرگ و هشتم درست باشد. دو نیم پرده گام بزرگ، بین درجات سوم تا چهارم و هفتم تا هشتم قرار دارد.



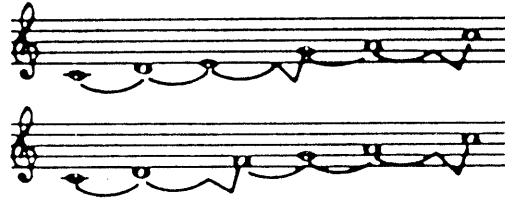
گام بزرگ نسبی [Gâme Bozoge Nesbi]: هرگاه درجه سوم گام کوچکی مأخذ ساختن گام بزرگ باشد. گام جدید را گام بزرگ نسبی گویند که دارای علامت ترکیبی همانند است.

گام بیست و چهار ربع پرده [Gâme Bist-o-Cahâr robw-parde] یا گام کرماتیک ایرانی، متشکل از هفده فاصله گام قدیم، که از آن، ده فاصله ربع پرده و هفت فاصله نیم پرده هریک به دو قسمت ربع پرده تقسیم شده است و در مجموع ۲۴ ربع پرده را تشکیل داده است. گام مذکور، پایه موسیقی ایرانی است.

گام پائین رونده [Gâme Pâwin-ravande]: وقتی نت‌ها بطرف پائین حامل حرکت می‌کنند، هر نتی نسبت به ما قبل خود بم تر میشود. این گام‌ها را پائین رونده گویند.



گام پنتا تونیک [Gâme Pentátonik]: گامی متشکل از پنج صوت که در کشورهای چین و ژاپن و موسیقی محلی بسیاری از نقاط کشورها رایج است.



گام تمام پرده [Gâme Tamám-Parde]: گامی است که در آن فاصله های درجه اول تا هنگام شش قسمت، دنبال هم و مساوی تقسیم شده و گام هفتم دارای هفت درجه (بجای هشت درجه) است. در گام تمام پرده، نیم پرده موجود نیست.



گام تمام نیم پرده [Gâme Tamám-nimparde]: گام تمام نیم پرده یا دودکافونیک، مرکب از دو واژه (دودکا و فون) به معنی دوازده صوتی است. برخلاف گام های دیاتونیک، هیچ یک از صوتهای دوازده گانه موسیقی، در یک قطعه، سهمی و شخصیتی بالاتر و بیشتر از دیگر صوتها ندارد.

گام دیاتونیک [Gâme Diyátonik]: یا گام طبیعی. گامی با فاصله های پرده و نیم پرده متشکل از هشت درجه و هفت فاصله. هر گام دیاتونیک مرکب از پنج پرده و دو نیم پرده است. گام دیاتونیک شامل دو دانگ است که بوسیله یک فاصله دوم بزرگ (یک پرده) از هم جدا شده اند.

گام صفی الدین ارموی [Gâme Safi-eddin Armavi]: این گام از سده سیزدهم میلادی بر اساس پرده بندی گام تنبور خراسانی توسط صفی الدین ارموی پیشنهاد و اجرا شده است. این گام، زیر بنای گام های امروز ایران است. این گام دارای هفده فاصله است و هر پرده، مساوی دولیما و یک کما است.

گام طبیعی [Gâme Tabiwi]: فواصل این گام از صداهای فرعی یا صداهای اصلی پایه تنیک، یا

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکنش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زانه (Zâle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Iran) وات های (الفاسی) نوین برای درست خواندن

صدای پایه گام بدست می آید. گام طبیعی، پایه گام فیزیکی و هارمونی بشمار میرود.

گام عبدالقادر [Gâme Abdolqader]: عبدالقادر مراغه ای صاحب گام هفده پرده ای مخصوص به خود است. این گام، با گام عود یکی است.

گام فارابی [Gâme Fârâbi]: در گام فارابی، هر طبقه شامل دو پله یا فاصله پنجاه و یک واحدی و یک فاصله بیست و سه واحدی است. نکته جالب توجه این است که در گام فارابی، فاصله ۲۵ واحدی که امروزه در موسیقی بین المللی به عنوان نیم پرده پذیرفته شده و معرف گام معتدل است، دیده می شود.

گام کروماتیک [Gâme Kromâtik]: گام متشکل از دوازده نیم پرده، ترکیبی از هفت نیم پرده دیاتنیک و پنج پرده کروماتیک که در مجموع با سیزدهمین صوت به اکتاو میرسد.

The image displays three musical staves. The top staff is labeled 'گام کروماتیک ملودیک' (Melodic Chromatic Scale) and shows a scale with 12 half-steps. The middle staff is labeled 'گام کروماتیک هارمونیک' (Harmonic Chromatic Scale) and shows a scale with 12 half-steps, including natural and flat signs. The bottom staff is labeled 'گام کروماتیک هارمونیک' (Harmonic Chromatic Scale) and shows a scale with 12 half-steps, including natural and flat signs. The first staff also has the label 'نیم پرده' (Half step) above it.

گام، کلاس موسیقی [Classe Musiqi Gâm]: در تهران که در آن زنده یاد امیر ناصر افتتاح و منوچهر لشگری تدریس میکردند.

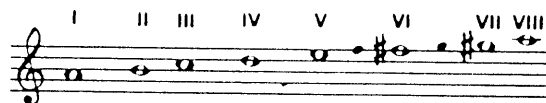
گام کوچک نسبی [Gâme Kucake Nesbi]: هر گام بزرگ، در یک سوم کوچک پائین تراز خود، دارای یک گام کوچک نسبی است که تنیک آن، درجه ششم گام بزرگ مفروض است.

گام کوچک نظری [Gâme Kucake Nazari]: (مینورتئوریک) گامی که فاصله های نیم پرده ای آن بین درجات دوم و سوم و پنجم و ششم قرار گیرند. این گام در حقیقت تابعی از گام بزرگ یا ماژور است و بنام مینور طبیعی شهرت دارد، و نظیر گام بزرگ، ۵ پرده و دو نیم پرده است، ولی جای نیم پرده ها با

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکن (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran)

محل نیم پرده گام بزرگ تفاوت دارد.

گام کوچک نغمگی [Gâme Kucake Naqmagi]: اگر درجه ششم و هفتم گام کوچک نظری (مینور ثئوریک) را در حالت بالارونده، نیم پرده کروماتیک بالا ببریم و در حالت پائین رونده، مجدداً آنها را بحالت اول برگردانیم، گام کوچک نغمگی حاصل میشود.



گام کوچک هم آهنگ [Gâme Kucake Ham-âhang]: یا مینور هارمونیک، هرگاه درجه هفتم کوچک نظری را برای ایجاد صدای محسوس (سانسیبل) نیم پرده کروماتیک بالا ببریم، به گام کوچک هم آهنگ تبدیل میشود. در این گام، بین درجات ششم و هفتم، یک پرده و نیم فاصله است، که شامل؛ سه نیم پرده در میان درجات دوم و سوم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم خواهد بود.

گام کولی [Gâme Kowli]: گامی متشکل از هشت نت (با اکتاو صدای اول)، فاصله های یک پرده، چهار، نیم پرده و دو، یک پرده و نیم.

گام کولی، در واقع گام موسیقی کولی های پراکنده در جهان و از جمله ایران است. گام کولی با مختصر تغییراتی، همان گام چهارگاه است که غربی ها از ایرانیان گرفته اند.



گام متوالی [Gâme Motavâli]: پشت سرهم بودن هشت نت موسیقی است که به ترتیب طبیعی با فواصل یعنی دنبال یکدیگر قرار میگیرند. چون مقدار نت های موسیقی هفت عدد است، همواره نت هشتم، اسم نت اول گام را خواهد داشت.

گام معتدل [Gâme Mowtadel]: گامی شامل ۱۲ نیم پرده مساوی، منسوب به باخ. این گام، ۸۰۰ سال پیش از باخ، توسط دانشمند بزرگ ایرانی، فارابی ابداع و پیشنهاد شده است.

گام نسبی [Gāme Nesbi]: هرگام بزرگ دارای گام نسبی کوچک است که از یک سوم کوچک پائین تر (یا از درجه ششم) آن شروع میشود، و دارای تمام خواص است که به یک گام کوچک تعلق میگیرد.

گام و تن [Gāme Va ton]: دو اصطلاح مشهور در موسیقی. درگام، اصوات موسیقی بصورت مرتب با فواصل متصل مانند دو، ر، می، فا، سل، لا، سی، دو یا C,D,E,F,G,A,B,C شنیده میشوند. درتن یا مایه، اصوات با فواصل گسسته یا نا منظم به گوش میرسند نظیر دو، می، سل، دو، لا، سل، سی و...
C,E,G,C,A,G,B

گام های مازور بمل دار [Gāmhāye Mázore bemoldār]: اگر نت چهارم (زیر نمایان) گام دو بزرگ را مبدا قرار داده و گامی بسازیم، فاصله درجه سوم و چهارم این گام، یک پرده و فاصله بین درجات چهارم و پنجم نیم پرده میگردد. حال اگر نت چهارم گام جدید را نیم پرده کروماتیک پائین بیاوریم (سی را بمل کنیم) گام دارای علامت ترکیبی سی بمل خواهد شد، و اگر این عمل را به ترتیب تا پیدا شدن هفت بمل ادامه دهیم گام های بزرگ بمل دار: فا، سی بمل، می بمل، لا بمل، ر بمل، سل بمل، دو بمل و بمل های سی، می، لا، ر، سل، دو و فا پیدا میشوند.

گام های مازور دیز دار [Gāmhāye Mázore diyezdār]: اگر دانگ دوم گام دو مازور را مبدا قرار دهیم و دانگ دومی برای آن بنویسیم، گام جدیدی بدست می آید که اگر درجه هفتم را نیم پرده کروماتیک بالا ببریم (فارادیز کنیم) گامی بوجود میآید که اگر عمل فوق را تکرار کنیم (تا پیدا شدن هفت دیز)، گام مازور دیز دار بوجود می آید که ترتیب توالی دیزها، درست عکس توالی بمل هاست.

گام های مترادف [Gāmhāye Motarādef]: به دو گام هم صوت غیر هم نام اطلاق میشود. نظیر: گام بزرگ دو دیز و گام بزرگ ربمل.



گام های مشابه [Gāmhāye Mosābeh]: لطفاً به گام های همنام نگاه کنید.

گام های مصنوعی [Gámhaye Masnuwi]: از رده گام هائی که فواصل پرده یا نیم پرده در میان درجه های آن مشهود نیست.

گام های هم نام [Gámhaye Hamnám]: دو یا چند گام که در یک تنالیته باشند، یعنی تونیک آنها با هم یکی باشد، آنها را نسبت به یکدیگر همنام گویند. این گام ها طبیعتاً دارای مدالیته های مختلف هستند، یعنی مقام آنها با یکدیگر تفاوت دارد، مانند می ماژور و می مینور.

گاو دم [Gávdóm]: فرهنگ نویسان گاو دم را نفیر که سازی کوچک از خانواده کرناست نوشته اند. بنابراین گاو دم سازی است بادی و چون شبیه دم گاو ساخته میشده به آن گاو دم می گفتند.

گاو یزنه [Gávizane]: از نواهای دوره ساسانی است.

گاه [Gáh]: آهنگ و سخن موزون. از مواردی که در متن آهنگ و شعر به کار رفته است میتوان به لغات: دوگاه، سه گاه، چهارگاه، و پنجگاه اشاره داشت.

گاهان خوانی [Gáhán-xáni]: در جشن های ششگانه فصل زرتشتیان، سرودهای زرتشت (گات ها) یا گاهان خوانده میشود، گاهان بار به معنی بار یا هنگام گاهان خوانی است.

گائینی، مریم [Maryam Gáwini] نوازنده ویلن در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

گبری [Gabri]: گوشه ای در آواز ابو عطا (دستگاه شور) است که بعد از حجاز توالی؛ شمالی، چهار باغ، گبری و رامکلی به اجرا در می آید. این گوشه در دشتی نیز اجرا میشود. گبری از گوشه های موسیقی تعزیه نیز محسوب میشود و ایفاگر نقش زینب، گبری می خواند.



Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Z,z زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

گپ دُهل [Gap Dohol]: از آلات کوبه‌ای پوستی، قدری بزرگتر از دُهل معمولی که در نواحی جنوبی ایران نظیر هرمزگان رایج است.

گُرداری، موسیقی [Musiqiye Godari]: گُدارها، نام‌های دیگری چون گُدر، گُسار و گودار، تیره‌ای از خنیاگران هستند که همراه با آهنگران، بازیگران و نجانان از هند به مازندران کوچ کرده‌اند. گُدارها، امروز به عنوان اقلیتی غیر رسمی و استحاله یافته در زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مازندرانی، بالغ بر سی هزار نفرند که هنوز از دو طریق: یعنی رنگ پوست و موسیقی توانسته‌اند، هویت قومی خودشان را حفظ کنند. گُدارها به دلیل پیشه و مهارت در خنیاگری، تأثیر قاطع بر موسیقی شرق مازندران گذاشته‌اند. متأسفانه، نوازندگان و خوانندگان غیرگدار در شرق مازندران پیوسته به موسیقی گُرداری و هنرمندان آن به دیده تحقیر نگاه کرده‌اند.

خنیاگران گُدار علاوه بر این که با الهام و برداشت از موسیقی سازی و آوازی مازندران مبتکر و خالق روایت ویژه‌ای از آن با عنوان «موسیقی گُرداری» شدند، از بانیان و شکل دهندگان اصلی سبک دیگری از موسیقی گردیدند که ما آنرا موسیقی شرق مازندران یا موسیقی شرقی می‌خوانیم. از جمله ویژگی‌های این موسیقی، به کارگیری بیشتر کمانچه و کم استفاده کردن از نی و استفاده از دایره و تنبک و همچنین بکارگیری لهجه گُرداری در بخشی از آوازاها و اجرای تحریرهای خاص است.

گرامافون [Gramafon]: جعبه صوت. وسیله‌ای که صفحه مدور و ضبط شده اصوات در محل خاصی به روی آن قرار گرفته و با دور تعیین شده‌ای می‌چرخد و سوزنی به روی شیارهای صفحه، صوت را به بیرون هدایت می‌کند.



Á,á A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

گرامی کشمیری [Gerami Kešmiri]: میرزاگرامی کشمیری از پارسی گویان سده دوازدهم در هند است.

او در شاه جهان آباد زندگی کرد و در سال ۱۱۵۶ هجری چشم از جهان فرو بست. از دیوان این شاعر، نسخه ای بشماره **Supp 619** در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد که حدود ۱۷۵۰ بیت قصیده و غزل و رباعی دارد. او از صوفیان قادری بوده و به مولوی ارادت داشت.

گراند هتل [Gránd Hotel]: مکانی برای عرضه موسیقی در سالهای گذشته. گراند هتل در سالهای ۱۳۰۰ خورشیدی، در اواسط لاله زار بود. وسعت تقریبی آن دو هزار متر مربع با یک ساختمان قدیمی اشرافی و حدود ۳۰ اتاق داشت. این هتل، متعلق به غلامرضا شاپوری، پدر عباس شاپوری بود. این هتل، محل تجمع سفرا، وزیر مختارها و مهمانان خارجی بود. غلامرضا شاپوری، صاحب هتل، که نواختن سه تار را خوب میدانست، از حسین قلی طاطائی و مجید وفادار دعوت میکرد تا در این هتل برنامه اجرا کنند. بعدها نام این هتل به رنسانس و تجدد تغییر یافت. اولین کنسرت قمرالملوک وزیری همراه با مرتضی خان نی داود در این هتل بود.

گرایلی [Gerayli]: از نغمه های ردیف موسیقی ایران در دستگاه شور است. گرایلی بدو صورت موزون (دوضربی و به ندرت چهار ضربی) و آوازی در پرده های اوج، شهناز، دشتی، حجاز، زیرکش سلمک، بخش نسبتاً وسیعی را بخود اختصاص داده است.

گرایلی



گرایلی شستی [Gerayli Šasti]: اجرائی از گرایلی بطریقه موزون شش ضربی.

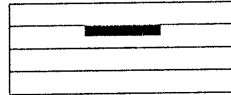
گرایلی شستی



گربال [Garbál]: سازی است کوبه ای. تلفظ دیگر این ساز گربال است که بنامهای گریال و گهریال هم
 Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
 Z,z های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdán) V,v C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zále)

خوانده میشود. این ساز در حقیقت دف یا دایره میباشد.

گرد [Gerd]: به نت کامل اطلاق میشود، هم چنین به بزرگترین واحد کشش زمانی که با علامت \circ آنرا نمایش میدهند. گرد معادل دو سفید، چهار سیاه، هشت چنگ، شانزده دولاچنگ، سی دو، سه لاچنگ و شصت چهار، چهار لاچنگ است.
سکوت گرد به شکل مستطیل سیاه، زیر خط چهارم حامل قرار می گیرد.



گرد افکن، غلامعلی [Qolámali Gordafkan]: معاون موزیک قزاق خانه در دوره قاجاریه.

گرد افکن، فخری [Faxri Gordafkan]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی.

گردانیه [Gardániye]: از گوشه های دستگاه نوا میباشد. گردانیه در موسیقی مقامی گذشته با نام کردانیا، دومین آواز از آوازهای شش گانه محسوب میشده است.



گرد مضاعف [Gerde Mozæef]: واحد زمان در موسیقی، دو برابر ارزش زمانی نت گرد که آنرا با علامت \equiv یا \square نشان میدهند.

گرگان یولی [Gorgàn Yoli]: از سبکهای موسیقی ترکمن صحرا.

گرگانی، صفی الدین [Safi-eddin Gorgàni]: موسیقیدان سده دهم هجری که از او کتاب ؛ بهجت الروح در دسترس میباشد.

گرگیچ، جمعه [Jomew Garqic]: نوازنده زبردست دُهل در زابل بلوچستان.

گرگیچ مذکور، امیر [Amir Gargic Mazkur]: نوازنده مشهور دُهل، تشتک، کوزه و دهلک در بلوچستان، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در زابل بدنیا آمد. نواختن دُهل را از هفت سالگی نزد عموی خود جمعه گرگیچ آغاز کرد. او نواختن تشتک و کوزه را از سهراب داودی فراگرفت. این هنرمند در حال حاضر در زاهدان زندگی می کند و کار اداری او در اداره کل فرهنگ و ارشاد میباشد.

گرگین، تیمور [Teymur Gorgin]: نویسنده، پژوهشگر، روزنامه نگار، شاعر و طنز نویس مشهور که سالیان بسیاری به فرهنگ و هنر و ادبیات فولکلوریک ایران خدمت نموده است. تیمور گرگین در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در چولاب سپید رود رشت بدنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی را در رشت به پایان برد و در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و سالها به شغل آموزگاری اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۲ به استخدام مؤسسه اطلاعات درآمد. او از سال ۱۳۲۸ کار شعر و شاعری را آغاز کرد و بیشتر از نامهای مستعار چون: مورچه رشتی، بنده خدا، کاسکول (گیله مرد)، مقروض الشعرا، مولانا رشتی، تلخوم و بی مُخ میرزا استفاده نمود. به برخی از آثار او در زیر اشاره میشود: تیره روز، ستاره های گور، طاغوت در تابوت، دختر رشتی، گلبنانگ (ترانه و سرودهای گیلکی با برگردان فارسی)، چهار دیوان، تصحیح دیوان نوعی.

گرگین زاده، رضا [Rezā Gorginzāde]: مدیر کانون موسیقی چنگ تهران که همکارانی چون محمد رضا درویشی و علی اکبر شکارچی دارد.

گرگین زاده، محمد رضا [Mohammad-Rezā Gorginzāde]: فرزند زنده یاد مرتضی گرگین زاده، در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در امیریه تهران بدنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی را در مدرسه برزویه و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید.

او از ۱۲ سالگی، نزد عموی خود، مصطفی گرگین زاده آغاز به یادگیری فلوت نمود، یکسال بعد به کلاس یحیی نیک نواز رفت و ساز ویلن را انتخاب نمود. پس از دو سال به راهنمایی نیک نواز به هنرستان موسیقی ملی رفت و در کلاس های شبانه این سازمان ثبت نام نمود. استاد های او در هنرستان؛ محمود ذوالفقون و علی تجویدی بودند. او ویلن آلتو را از والود تارخانیان آموخت. گرگین زاده در سال ۱۳۵۲ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود. محمد رضا گرگین زاده دارای درجه لیسانس در رشته آهنگسازی از هنرکده موسیقی ملی است.

گرگین زاده، مرتضی [Morteza Gorginzade]: نوازنده مشهور قره‌نی و همدوره و همکار با استاد ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی و خانم روح انگیز، در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در محله درخونگاه تهران بدنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی را در دبستان عنصری به پایان رسانید. مرتضی گرگین زاده در سال ۱۳۱۲ وارد موزیک ارتش شد و پس از طی دوره ۶ ساله با درجه سرگروه‌بانی فارغ‌التحصیل گردید.

در آن زمان سرپرست موزیک ارتش، سرگرد مین باشیان بود. مرتضی گرگین زاده سالها در ارکسترهای مختلف رادیو به نواختن قره‌نی پرداخت. او سالها با خانم روح انگیز و روح بخش همکاری نمود. او در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ به رهبری ارکستر رادیو ایران رسید. مرتضی گرگین زاده، برادر هنرمند گرانقدر مصطفی گرگین زاده در سن ۳۷ سالگی، در سال ۱۳۳۷ چشم از جهان فرو بست.

گرگین زاده، مصطفی [Mostafá Gorginzade]: مصطفی گرگین زاده نوازنده چیره دست ترومپت در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در محله درخونگاه تهران بدنیا آمد. او دوران ابتدائی را در مدرسه هدایت پایان برد و سپس وارد موزیک ارتش شد. معلم او در آن زمان سرگرد مین باشیان بود. پس از یکسال آموزش و یادگیری نت به لشکر دوم موزیک عشرت آباد منتقل گردید و زیر نظر سروان محمد ایروانی به کار خود ادامه داد. مصطفی گرگین زاده در سال ۱۳۲۴ خورشیدی از ارتش استعفاء داد و با علی محمد خادم میثاق و مرتضی حنانه به اجرای برنامه های هنری در تاتر فرهنگ واقع در لاله زار پرداخت.

در سال ۱۳۲۶ با پیشنهاد زنده یاد مهدی خالدی، همکاری با ارکستر او را آغاز نمود. در سال ۱۳۳۳، او به سرپرستی ارکستر شماره ۲ رادیو ایران به خوانندگی دلکش برگزیده شد.

مصطفی گرگین بعلت درگیری با نصرت اله معینیان وزیر اطلاعات آن زمان بخاطر عدم پخش یکی از آهنگهایش که خانم دلکش اجرا کرده بود از رادیو اخراج شد و به استخدام راه آهن دولتی ایران درآمد و به خرمشهر رفت. با آمدن معینیان به وزارت راه، او مجدداً از وزارت راه نیز اخراج شد و به تهران بازگشت. مصطفی گرگین زاده در سال ۱۳۴۴ به علت خستگی مفرط روحی پرونده هنری خود را بست و خود را به اداره راه آهن شمال در پل سفید منتقل نمود و در سال ۱۳۵۹ خود را بازنشسته کرد.

مصطفی گرگین زاده علاوه بر ترومپت که ساز تخصصی او بود به نواختن سازهای: فلوت، قره‌نی، سه تار، سنتور و تنبک آشنائی کامل داشت و ضرب را نزد استاد حسین تهرانی آموخت.

گرمسیری، علی اصغر [Ali-Asqar Garmsiri]: هنرپیشه، آهنگساز و نوازنده ویلن در سالهای

Xayyam) خیام (X,x Qarq) غرق (Q,q Jamw) جمع (J,j W,w Sarkes) سرکش (S,s K,k S,s Ā,a A,a) آدم (Ādam) Z,z (Zāle) زاله (Z,ż) V,v O,o (Vojdān) وجدان (V,ı) C,c U,u جوب (Cub) ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران (I,i

پیش و بعد از ۱۳۱۷ خورشیدی، که از او سپس اشک شیطان در سالن سیرک تهران به نمایش درآمد. گرمسیری از صدای بسیار خوبی هم برخوردار بود. در سال ۱۳۱۹ که هنرستان هنرپیشگی از طرف سازمان پرورش افکار افتتاح شد، اصغر گرمسیری را به سمت استادی در این هنرستان بکار گرفتند و ریاست هنرستان با سید علی نصر و معاونت آن با عنایت اله شیبانی پدر جمشید شیبانی بود.

گریگوریان، آرا [Ará Grigoryán]: نوازنده زبردست ویلن و نوه پسری هنرمند گرانقدر روبیک گریگوریان است. این هنرمند در آمریکا زندگی می کند.

گریگوریان، آنی [Áni Grigoryán]: نوازنده چیره دست ویلن و نوه پسری هنرمند بزرگ روبیک گریگوریان است. او در آمریکا زندگی می کند.

گریگوریان، ربرت [Robert Grigoryán]: از صدا برداران و صدا گذاران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

گریگوریان، روبیک [Rubik Grigoryán]: روبیک گریگوریان موسیقیدان بزرگ ایران در سال ۱۹۱۵ میلادی در تفلیس، پایتخت گرجستان بدنیا آمد. در کودکی همراه با خانواده اش به تبریز مهاجرت کرد و سالهای نوجوانی را تحت نظر پدر هنرمندش لئون گریگوریان گذراند. روبیک بعدها، دوره کنسرواتوار موسیقی تهران را به پایان رسانید و به فرانسه رفت و در آن کشور، ابتداء در مدرسه عالی موسیقی پاریس و سپس در کنسرواتوار ملی موسیقی پاریس معلومات خود را تکمیل کرد. او در ۲۳ دسامبر ۱۹۴۴ میلادی، رهبری ارکستر سنفونی تهران را بعهده گرفت. او از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ به معاونت و سرپرستی هنرستان عالی موسیقی تهران و هم چنین سرپرستی کمیسیون ملی ایران، بخش موسیقی در یونسکو را بعهده داشت.

او در هنرستان، ویلن آموزش میداد. بیشترین علاقه روبیک گریگوریان به گردآوری آثار فولکلوریک بود. او بیش از ۶۰ آهنگ ملی از گوشه و کنار ایران جمع آوری نمود. در سال ۱۹۵۰ میلادی، سوئیت ایرانی با الهام از آهنگهای دشتتانی جنوب را ساخت که در نوبه خود شاهکار بود. در سال ۱۹۵۲ میلادی، شرایط کاری باعث شد که این هنرمند گرانقدر و عاشق ایران، ترک وطن کند و چهل سال آخر زندگی خود را در بوستون آمریکا بگذراند. در سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ چند سفر چند ماهه به ایران داشت و در همان زمان کوتاه در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بعنوان استاد افتخاری به تدریس پرداخت.

سفارش روبیک به شاگردانش همواره این بود که: روستاها را مرکز الهام هنری بشناسند. روبیک گریگوریان

در فروردین ۱۳۷۰ در بوستون آمریکا چشم از جهان فرو بست.
از هم‌دوره‌ای های روبیک گریگوریان میتوان به غلامحسین مین باشیان، پرویز محمود و فریدون فرزانه اشاره داشت.

گریگوریان، روبیک [Rubik Grigoryan]: نوازنده چیره دست ویلن و نوه پسری هنرمند گرانقدر روبیک گریگوریان است. او در حال حاضر در آمریکا زندگی می کند.

گریگوریان، ژورژیک [Žoržik Grigoryan]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی.

گریگوریان، لئون [Leon Grigoryan]: موسیقیدان و معلم بزرگ موسیقی، لئون گریگوریان در سال ۱۸۸۶ میلادی در تفلیس گرجستان بدنیا آمد. او پدر هنرمند گرانقدر روبیک گریگوریان است که به تبریز مهاجرت نمودند. لئون در تبریز در مدارس: هایگازیان، تاماریان و آرامیان تحت نظر: آرشاک مهربان، هابت خاچاتوریان و آرداشس در هوانسیان موسیقی را آموخت و بعدها، در تبریز به آموزش و نواختن متدهای اروپائی اهتمام ورزید. او، جزو اولین کسانی بود که در تبریز دسته گُر تشکیل داد. در شهر تبریز در سال ۱۸۸۰ میلادی، کلوب موسیقی دائر بود که مؤسس آن موسیقیدان معروف و نوازنده چیره دست ویلن؛ آرداشس در هوانسیان بود. لئون، در تبریز، ارکستری بنام سالون تشکیل میدهد که اعضای آن ارکستر و دسته گُرش بالغ بر ۱۴۰ نفر میشدند. لئون گریگوریان در سال ۱۹۵۷ چشم از جهان فرو بست.
لئون گریگوریان، شاگردان بسیاری را تعلیم داده که بعلت عدم دسترسی به شرح حال آنان، تنها به ذکر نامشان پرداخته، امید است در آینده با دسترسی به اطلاعات بیشتر، این بخش تکمیل گردد.

آقای جعفر ارمغانی	آقای آرشاویر آدامیان
آقای آشوت بابایان	آقای آرام اله وردیان
خانم گوهاریک بابایان (گوهر)	آقای آشوت آقاییان
خانم لیلیک بابایان (لیلیا)	آقای آساتور امیرخانیان
آقای مایک بابایان	آقای هانری آنانیان
آقای جمیک بابایان (جمال)	آقای هنریک آفتاندیلیان (هنری)
آقای سوریک بابایان (سورن)	آقای سامول آفتاندیلیان
آقای آندرانیک باغداساریان	آقای مارتیک آودیسیان

آقای آشوت کاراپتیان	آقای باغداسار باغداساریان
آقای سیمون کاراپتیان	آقای شوارش باغداساریان
آقای روبن غریبیان	آقای ژرایر باغداساریان
آقای محمد خان پیران	آقای واردان باغداساریان
آقای ادوارد مارتیروسیان	آقای گالیگ باغداساریان
آقای واردان مارتیروسیان	آقای شوارش برخورداریان
آقای واردان مهربان	آقای رافی برخورداریان
آقای محمد خان میرزا	خانم گوهاریک پزشکیان (گوهر)
آقای آساتور ملیک آبراهامیان	آقای زورا پزشکیان
آقای آرمناک ملیک آبراهامیان	آقای هراند گالوستیان
آقای آشوت ملیک باغداساریان	آقای آرشاویر گالفایان
آقای نورایر واردانیان	خانم هرانوهی گورکیان
آقای او ملک سایاتیان	آقای شمیل گورکیان
خانم لوریک مؤسیسیان	آقای مانوئل گولویان
آقای آشوت هاکوپیان	آقای آدام گریگوریان
آقای داویت هاکوپیان	آقای آلکسان گریگوریان
آقای همایاک هاکوپیان	خانم آسیک گریگوریان
آقای میساک هاکوپیان	آقای آرمناگ گریگوریان
آقای سرکیس هاکوپیان	آقای زاره گریگوریان
آقای سورن هاکوپیان	آقای هامبارتسوم گریگوریان
آقای نورایر هاروتونیان	آقای هانری گریگوریان
آقای هوسیک هاروتونیان	آقای هراچیک گریگوریان
آقای وهاگن هاروتونیان	خانم نکتار گریگوریان
خانم تیگرانوهی هاروتونیان	آقای واردکس گریگوریان
آقای هرایر هووهانسیان	آقای خاچاتور یگانیان
آقای هراچ هووهانسیان	آقای زاون یدگاریان
آقای واغیرناک هووهانسیان	آقای سمبات زوهرابکیان
آقای ژورسی وُسکانیان	آقای بابکن تامرازیان
خانم آنلکا پاتماگریان	آقای سیراک غریبیان

A,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکنس (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

آقای آرشام پاتماگریان	آقای گورکن درمارتیروسیان
آقای تیرداد سراجیان	آقای موشخ درمارتیروسیان
آقای تسولاک سرکیسیان	آقای آلفرد درمارتیروسیان
آقای وارتان آدالیان	آقای هوسپ درمارتیروسیان
آقای واهرام ستخانیان	آقای استپان کارامیان
آقای نورایر ستخانیان	آقای مامیکون آهانیان
آقای آرتاسیش درکاراپیتان	آقای هایکاک آجاخیان

گریگوریان، لئون [Leon Grigoryán]: استاد موسیقی در رشته پیانو و رهبر ارکستر دانشگاه میشیگان و پسر هنرمند گرانقدر روبیک گریگوریان است.

گریگوریان، وارتهکس [Varteks Grigoryán]: هنرآموز هنرستان عالی موسیقی تهران در سالهای پیش از انقلاب.

گریگوریان هامبارسوم [Hambarsum Grigoryán]: موسیقیدان، آهنگساز و استاد موسیقی که در سال ۱۸۹۳ میلادی در شهر تبریز دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تماقان تبریز به اتمام رسانده و از کودکی به فراگیری موسیقی می پردازد تا آنجا که به مقام استادی میرسد. در سال ۱۹۱۳ میلادی در قزوین کلاس موسیقی دایر کرده و ۵ سال در این شهر به شیفتگان هنر موسیقی آموزش میدهد. پس از قزوین در سال ۱۹۱۸ به همدان می رود و کلاسش را آنجا دایر می کند. در سال ۱۹۲۴ میلادی ایران را به قصد ادامه تحصیل در امر موسیقی ترک و مدرک خود را از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت و به ایران مراجعت می کند و این بار در سال ۱۹۲۷ فعالیت هنری خود را در شهر رشت متمرکز مینماید. هامبارسوم گریگوریان در تمام شهرهای اشاره شده گروه گر تشکیل داده و نقش والائی در اشاعه هنر موسیقی داشته است.

گریگوریان، هانری [Hanri Grigoryán]: برادر هنرمند بزرگ موسیقی ایران، روبیک گریگوریان است که آموزش مقدماتی موسیقی را نزد پدرش لئون گریگوریان آموخت و سپس نزد استادان مهاجرت کرده از روسیه فرار گرفت.

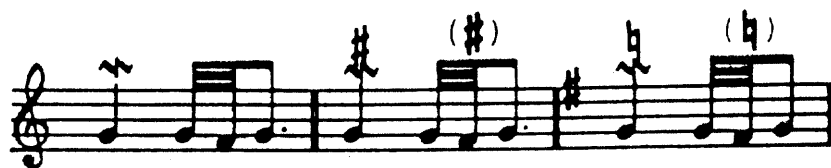
گریگوریانی، روبیک [Rubik Grigoryani]: روبیک گریگوریانی، معروف به روبیک دماوندی،
 Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاده (Zále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

صدابردار و صاحب استودیو مشهور دماوند در پیش از انقلاب است که در زمینه صداگذاری و دوبله فیلم از فعالترین استودیوهای پیش از انقلاب بشمار میرفت.

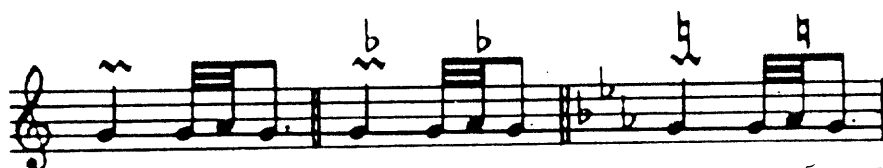
گَز زدن [Gez-zadan]: از اصطلاحات فنی در ساز سازی است. صدای ناخواسته که پس از اصابت مضراب از بعضی از سیم های سنتور بعلت اشکال فنی در ساختمان ساز بر می خیزد.

گزش [Gazeš]: از نت های زینتی در نواختن آلات موسیقی که بشکل دولا چنگ های کوچک نوشته میشود. دو نوع گزش وجود دارد؛ تحتانی و فوقانی. گزش تحتانی، بیانگر حرکت سریع نت اصلی به سمت نت پائین تر از خود و برگشتن مجدد به جای اول است، در حالیکه، گزش فوقانی، حرکت سریع نت اصلی به سمت نت بالاتر از خود و برگشتن به جای اول است.

گزش تحتانی (تنوری)



گزش فوقانی



گُزَلَمَه [Gozlame]: از آوازهای مشهور ایل قره پایاغ که اطراف نقده زندگی می کنند.

گستره صدای انسان [Gostareye Sedāye Ensān]: صدای انسان به شش طبقه تقسیم میشود که هر یک دارای گستره ای و کلیدی مخصوص به خود است.

Soprano	سپرانو (صدای زیر)	}	صدای کودکان و زنان
Mezzo Soprano	متسو سپرانو (صدای متوسط)		
Alto	آلتو یا کنترآلتو (صدای بم)	}	صدای مردان
Tenor	تنور (صدای زیر)		
Britone	باریتون (صدای متوسط)		
Basse	باس (صدای بم)		

گشاد [Gošād]: اصطلاحی به معنی کوک کردن چنگ

گشایش [Gošāyeš]: گوشه ای است در دستگاه ماهور. گشایش را در موسیقی قدیم ایران، راست می نامیدند.



گل [Gol]: از الحان دوره ساسانی است.

گل بام [Gol-bām]: از جمله گوشه های موسیقی ایرانی است که در اشعار شاعران بطور پراکنده آمده است.

گل بانک [Gol Bāng]: آوازی بلند که نقاره چیان، شاطران، قلندران و معرکه گیران سر میدهند. گل بانک به آواز بلبل نیز اطلاق میشود.

گلبانگ بختیاری [Gol Bānge Baxtyāri]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوارهای محلی ایران بویژه لری و بختیاری.

گلبانگ پهلوی [Gol Bānge Pahlavi]: نامه گونه ای از ترانه های عرفانی که در آغاز بزم ها می خواندند.

گلبانگ شاملو [Gol Bānge Šāmlu]: کلاس موسیقی در تهران که در آن منصور رشیدی نوازنده چیره دست ویلن و ضرب و فرزند استاد رحمت اله رشیدی تدریس می کند. سرپرستی این کلاس با هنرمند گرانقدر شاملو کار بند است.

گلبرگ [Golbarg]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوار و CD های موسیقی ایران در تهران.

گل بهار [Gol-Bahār]: فروشگاه لوازم و آلات موسیقی در خیابان لاله زار که در سالهای پیش و بعد از
 Ā,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Ž,ž زاه (Žale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

۱۳۴۵ خورشیدی فعالیت داشت.

گلپایگانی، اکبر [Akbar Golpāyğāni]: اکبر گلپایگانی خواننده مشهور در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران بخش ۹، سه راه شکوفه بدنیا آمد. اکبر در کودکی بنا به توصیه پدرش به تمرین آواز پرداخت. در ۶ سالگی، مادرش را از دست داد. او تحصیلات ابتدائی را در دبستانهای فرهنگ و اقبال آغاز و در کلاس چهارم با جهانگیر ملک همکلاس بود و همین امر موجب دوستی و الفتی بین او و ملک شد. در همان سالها، ملک ضرب می گرفت و اکبر گلپایگانی می خواند. پس از طی دوران متوسطه در دبیرستانهای بدر و نظام و پس از آن در دانشکده افسری و علوم و سپس کلاس تخصص نقشه برداری سازمان برنامه را به پایان رساند و سپس دوره کارشناسی بانک را دید. زندگی هنری اکبر گلپایگانی با دیدن حسن یکرنگی آغاز و با معرفی به استاد نورعلی خان برومند آموزش او بعهده استاد نورعلی خان برومند واگذار شده و استاد بمدت ۹ سال و ۸ ماه او را آموزش داد.

در یک دیدار اتفاقی در گلندوک شمیران، اکبر گلپایگانی با زنده یاد داود پیرنیا آشنا میشود و استاد پیرنیا می خواهد تا در برنامه گلهای رادیو شرکت کند. اکبر گلپایگانی این پیشنهاد را علیرغم مخالفت های استاد برومند پذیرفته و بدینوسیله رشته شاگردی و استادی پاره میشود. استاد برومند اظهار داشت که اکبر گلپایگانی آموزش های خود را تمام نکرد. همکاری گلپا با برنامه گلها آغاز میشود و او از استادهایی چون؛ حاج آقای محمد ایرانی مجرد، ادیب خوانساری بهره می گیرد. گلپایگانی پله های شهرت و ترقی را خیلی سریع می پیماید. او در فیلمی شرکت می کند که داستانش از روی صفحه شکسته با شرکت زکی موره هنریشه سینمای ترکیه کپی شده بود. نام این فیلم «مرد حنجره طلائی» ساخته مهدی میثاقیه در سال ۱۳۴۷ است. در زیر به برخی از ترانه های ماندگار گلپایگانی اشاره میشود:

درویش (میدونستی که خاک فرش منه)، چرا عاشق نباشم، من تو را آسان نیافتم بدست، وطن، موی سپید از جهان بخش پازوکی، شبگرد از فریدون خشنود، دل خرابه از علی تجویدی، محبت از انوشیران روحانی، تک درخت از اسداله ملک، گل گریه از فرهنگ شریف، مرا بوسه ای ده از اکبر محسنی، خدایا خدایا از بزرگ لشگری، عشق و آهسته آهسته از فضل اله توکل.

گلپایگانی، عباس [Abbās Golpāyğāni]: خواننده خوش صدا و برادر هنرمند گرانقدر اکبر گلپایگانی است که پیش از انقلاب در تاترهای لاله زار و چند نایت کلوب برنامه اجرا می کرد. عباس گلپایگانی نظیر برادرش اکبر، بعد از انقلاب صدایشان از رادیو تلویزیون پخش نشد. اما رادیو تلویزیون دولتی ایران با خواندن برادر کوچک آنها یعنی گلریز گلپایگانی موافقت کرده است.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) ات های (الهای) نوین برای درست خواندن

گلپایگانی، عندلیب [Andalib Golpāygāni]: استاد آواز در خوانسار که تعلیم ادیب خوانساری بعهده او بود، این هنرمند بعدها نام خانوادگی تولایی را برای خود انتخاب نمود. زمانی که ادیب خوانساری نزد او آموزش میدید ۱۵ ساله بود.

گلپایگانی، گلریز [Golriz Golpāygāni] برادر کوچک اکبر گلپایگانی که در تهران به خوانندگی اشتغال دارد و صدایش از رادیو تلویزیون دولتی پخش میشود.

گلپایگانی، محمد علی [Mohammad-Ali Golpāygāni]: لطفاً به گل ریز، محمد نگاه کنید.

گلپایگانی، نصرت اله [Nosrat-ollāh Golpāygāni]: زنده یاد نصرت اله گلپایگانی از شاگردان ممتاز هنرستان موسیقی ملی در سال ۱۳۱۷ خورشیدی بدنیا آمد. در سال ۱۳۲۸ به هنرستان موسیقی ملی که تحت نظر استاد روح اله خالقی اداره میشد رفت، در آن زمان ۱۱ سال داشت. همکلاسی او در آن سال، محمد ظریف بود.

نصرت اله گلپایگانی، بعد از هشت سال فارغ التحصیل شد و در زمره اولین تحصیلکرده های این هنرستان قرار گرفت. او کار هنری خود را در هنرهای زیبای کشور، با آموزگاری و نوازندگی در ارکسترهای مختلف آغاز نمود. نصرت اله گلپایگانی در ۱۳ دیماه ۱۳۴۱ به اثر ابتلاء به سرطان گلو، پس از عمل جراحی، چشم از جهان فرو بست. او در هنگام مرگ ۲۴ سال داشت. ساز تخصصی این هنرمند، ویلن بود و ویلن را نزد استاد ابوالحسن صبا آموخت.

گل پرور [Golparvar]: خواننده و نوازنده سنتور که بیشتر به آوازهای اصیل ایرانی می پردازد. گل پرور ساکن لس آنجلس است.

گلچین معانی، احمد [Ahmad Golcin-mawāni]: از شاعران و محققان مشهور که در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از این شاعر، اشعار بسیاری بجا مانده است. از زیباترین اشعار او میتوان به: اشک و آه و ماه اشاره داشت.

گلچین موسیقی [Golcine Musiqi]: فروشگاه خرید و فروش و تعمیر کلیه آلات موسیقی، تهیه لوازم و کتب مربوط به موسیقی همراه با کوک سنتور و پیانو که در تهران قرار دارد.

گلچین، نادر [Nāder Golcin]: نادر گلچین، خواننده مشهور قدیمی دز سال ۱۳۱۵ خورشید در رشت بدنیا آمد. در ۱۲ سالگی با رادیو رشت که در اختیار تیپ رشت بود و زیر نظر مدیران ارثشی اداره میشد، همکاری نمود.

در سال سوم دبیرستان به هنرپیشگی روی آورد و در تاتر رشت در نمایش های: بارگاه هارون الرشید و خوابهای پینه دوز شرکت نمود، ضمن بازیگری آوازهائی هم خواند. نادر گلچین در سال ۱۳۳۹ به تهران آمد و فعالیت های هنری خود را در اداره هنرهای زیبا وابسته به وزارت فرهنگ و هنر آغاز نمود. او سالها با ارکستر استاد محمود تاج بخش همکاری داشت. نادر گلچین تا سال ۱۳۶۲ با رادیو ایران همکاری داشت. از ترانه های ماندگار این خواننده میتوان به: مرغ سحر، بوی بهار، آخرین جرعه این جام، غم عشقت مرا از پای افکند و فروغ جاودان اشاره داشت. نادر گلچین در کارنامه هنری خود بالغ بر ۳۰۰ آواز اجرا نموده است. او در حال حاضر مسئول یک شرکت تکثیر نوار در تهران میباشد.

گلچین هفته [Golcine Hafte]: برنامه رادیویی در خصوص موسیقی ایرانی و معرفی هنرمندان این رشته که در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ خورشیدی که از رادیو ایران پخش میشد.

گلدست [Goldast]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی است که در موسیقی عرب رواج دارد.

گلدن رکورد [Golden Record]: شرکت تولید و پخش صفحه در تهران، در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی.

گلدن رینگ، گروه [Gruhe Golden-ring]: گروه موسیقی پاپ در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی که بعد از تشکیل گروه بیتل ها، در ایران بوجود آمد.

گل رخ [Gol-rox]: از الحان موسیقی قدیم ایران است.

گل رشتی [Gole Rašti]: گروه مطرب زنانه در زمان ناصرالدین شاه.

گل ریز [Gol-riz]: از نغمه های دستگاه شور است. گل ریز دارای نت متغیر میباشد.



Á,á A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Ž,ž زاله (Žale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

گل ریزان [Gol-rizán]: بخشی از قسمت اول رنگ شهرآشوب. بخش دیگر، پروانه کبیر نام دارد.

گل ریز خانم [Golriz-Xánom]: از خوانندگان قدیمی و همدوره با ملوک پروین خانم، مادام سیرانوش و زنده یاد پروانه. از این خواننده صفحات بسیاری که توسط کمپانی هیز مستر ویس در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰ خورشیدی ضبط شده وجود دارد.

گل ریز، محمد [Mohammad Golriz]: خواننده ترانه های انقلابی که در تهران فعالیت دارد. نام اصلی این خواننده محمد گلپایگانی و برادر خواننده مشهور اکبر گلپایگانی است. محمد گل ریز در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدرش مداح بود و او آواز را نزد برادرش اکبر گلپایگانی آموخت. او از سال ۱۳۵۲ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. او ده آهنگ در برنامه گل چین هفته اجرا نمود. محمد گل ریز پس از تغییر رژیم، به خواندن آهنگهای انقلابی روی نمود و بیش از یکصد و ده آهنگ اجرا نموده است. از ترانه های این خواننده میتوان به: بیا و بنشین کنار گل، حدیث گل، جان بازان، این پیروزی خجسته باد، امداد و بانگ آزادی نام برد.

گلزار [Golzár]: از الحان عهد ساسانیان.

گلزاری، منصور [Mansur Golzâri]: منصور گلزاری نوازنده چیره دست ویلن در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در همدان بدنیا آمد. از سن ۱۲ سالگی به نواختن ویلن روی آورد. پس از گرفتن دیپلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و بعنوان هنرآموز سرود و موسیقی مدارس کار خود را آغاز نمود. در سال ۱۳۲۸ او به تهران آمد و بعنوان مدرس در هنرستان موسیقی ملی که تازه تأسیس شده بود و محل آن در خیابان هدایت بود به تعلیم هنرجویان پرداخت. او بعدها و بمدت طولانی، سمت ناظم هنرستان را داشت و در سال ۱۳۵۷ بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد. مدرک تحصیلی منصور گلزاری، لیسانس زیست شناسی از دانشکده علوم دانشگاه تهران است.

گلستان [Golestân]: از الحان موسیقی قدیم ایران. فواصل گلستان، بیست و هشتمین دور از دورهای هشتاد و چهارگانه صنفی الدین ارموی است.

گلسرخی، ایرج [Iraj Golesorxi]: سرپرست گروه کُرادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۷ خورشیدی.

گلسرخی، خسرو [Xosro Golesorxi]: زنده یاد خسرو گلسرخی در دوم بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او در ۱/۵ سالگی پدرش را از دست داد. پس از مرگ پدر، همراه مادر به قم رفت و تحت سرپرستی پدر بزرگ خود قرار گرفت. در سال ۱۳۱۴ با مرگ پدر بزرگ، او همراه مادرش به تهران آمد و در محله امین حضور خانه‌ای گرفت. او روزها کار می‌کرد و شبها به تحصیل می‌پرداخت. پس از اتمام تحصیل او در مؤسسه اطلاعات شروع بکار کرد و پس از آن در روزنامه‌های آیندگان و کیهان به قلم زدن پرداخت. خسرو گلسرخی در سال ۱۳۴۸ با عاطفه گرگین دوست هم قلم خود پیوند زناشویی بست که حاصل آن فرزندی بود بنام دامون.

نوشته و شعرهای خسرو گلسرخی حکایت از نمایان ساختن چهره واقعی عوام فریبان داشت. از اشعار این شاعر انقلابی میتوان به: تا آفتابی دیگر و خواب یلدا اشاره داشت. در فروردین ۱۳۵۲ ساواک با یورش به یک محفل روشنفکری، گلسرخی و دیگر دوستانش را دستگیر و با اتهام واهی قصد اعدام انقلابی شاه و ربودن فرح او را به زندان اوین انداختند. خسرو گلسرخی و هم‌رزم او کرامت اله دانشیان در سحرگاه ۲۸ بهمن ۱۳۵۲ در محوطه زندان اوین تیرباران شدند.

از خسرو گلسرخی، شاعر آزاده و انقلابی کتابهای: سیاست هنر، سیاست شعر، نیما و حقیقت خاکی، ادبیات توده و هم چنین ترجمه کتاب: واپسین دم استعمارنوشته فرانتس فانون موجود میباشد.

گلشن، رضا (راد) [Rezā Golsān]: رضا گلشن (راد) در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. رضا در کودکی به مدرسه موزیک که سرپرستی آن با زنده یاد سالار معزز بود رفت. در این مدرسه او ابتدا به نواختن فلوت پرداخت و پس از دو سال به قره‌نی روی آورد. اولین معلم او، سرهنگ ایروانی بود. رضا به زودی به سرپرستی دسته موزیک نظامی عباس آباد منصوب شد و تا زمانی که بازنشسته شد در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۲۴ رسماً کار خود را با رادیو آغاز کرد و بخاطر ارتشی بودنش، کلمه راد را به آخر اسم فامیلش اضافه نمود تا شناخته نشود. او بیش از یکصد و پنجاه آهنگ ساخته است.

گلشن، میرزا اسماعیل {Mirzā Esmāwil Golsān}: نوازنده چیره دست ترومپت در موزیک ارتش، فوج نادری در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۰ خورشیدی و پدر هنرمند گرانقدر رضا گلشن (راد).

گلغذار [Golozār]: گلغذار خانم، نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان محمد صادق خان در

وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Voklan) وحدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c Z,z (Xayyam) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q جمع (Jamw) W,w J,j (Sarkes) سرکش S,s K,k S,s (Ádam) آدم Á,a A,a (Zāle) زاله Z,z

دوران ناصری است.

گل گلاب، حسین [Hoseyn Gol-golâb]: شاعر و ترانه سرای مشهور معاصر که جاودانه سرود: ای ایران، ای مرز پُرگُهر از سروده های اوست. دکتر حسین گل گلاب که سالهای بسیار از همکاران نزدیک کلنل علی نقی وزیری بود در ساختن ترانه های کودکان نیز مهارت بسزائی داشت. دکتر حسین گل گلاب در سال ۱۲۷۴ خورشیدی بدنیا آمد. او فرزند میرزا مهدی مصورالملک، نقاش و عکاس دوره قاجاریه است. دکتر گل گلاب مشاغل آموزشی خود را از معلمی در دارالفنون آغاز کرد و پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی آن برگزیده شد. او تا سال ۱۳۴۵ که بازنشسته شد به تدریس گیاه شناسی اشتغال داشت. زنده یاد دکتر حسین گل گلاب در ۲۲ اسفند ماه ۱۳۶۳ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

گل محمدی، مصطفی [Mostafâ Gol-Mohammadi]: مصطفی گل محمدی در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در کودکی به هنرستان موسیقی ملی رفت. او ساز نواختن فلوت را بمدت سه سال زیر نظر هنرمند گرانقدر منشی زاده، خانم سوئینگ لر و جامعی آموخت و سپس برای فراگیری تار نزد حبیب اله صالحی، هوشنگ ظریف و علی اکبر خان شهنازی رفت. در سال ۱۳۵۹، با تعطیلی هنرستان موسیقی ملی، او به کشور فرانسه رفت و در آنجا فعالیت دارد.

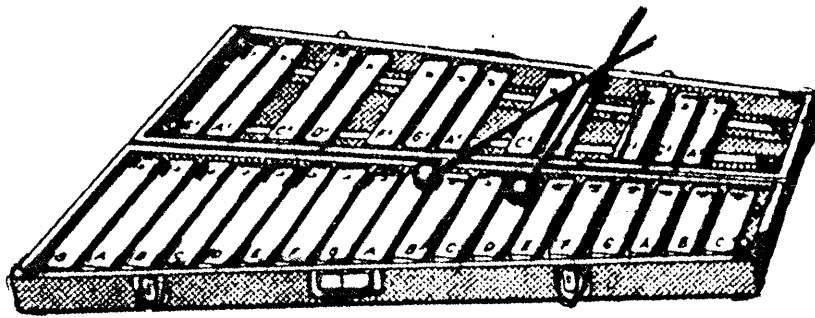
گل محمدی، مهدی [Mehdi Gol-mohammadi]: مهدی گل محمدی در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد، او در تهران در سن ۱۳ سالگی وارد هنرستان موسیقی ملی شد و ابتدا زیر نظر؛ هوشنگ ظریف و سپس نزد استاد علی اکبر خان شهنازی به فراگیری ساز تار پرداخت. او در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ لیسانس در رشته موسیقی از این هنرستان شد. در سن ۱۸ سالگی همکاری او با ارکستر مهرافشان که در فرهنگ و هنر فعالیت داشت آغاز گردید و پس از آن با ارکسترهای مختلفی چون: ارکستر هنرآموزان، ارکستر بزرگ سازهای ملی به رهبری استاد فرامرز پایور، گروه ضرب محمد اسماعیلی، گروه کُر ملی به رهبری آلفرد ماردویان، گروه کُر تلویزیون به رهبری گلنوش خالقی همکاری نمود. مهدی گل محمدی علاوه بر تار، با نواختن سازهای؛ سه تار، عود، ضرب و نی و پیانو نیز آشنائی کامل دارد.

گلنار [Golnâr]: از آوازهای معروف شرق و جنوب خراسان.

گلنراقی، حسن [Hasan Golnarāqi]: زنده یاد حسن گلنراقی، خواننده مشهور ترانه مرا ببوس، در سال ۱۳۰۵ خورشیدی بدنیا آمد. ترانه مرا ببوس را پیش از گلنراقی، خانم پروانه اجرا ولی موفقیتی کسب نکرده بود. زنده یاد مجید وفادار سازنده آهنگ، از صدای خوش گلنراقی آگاه بود، از این رو به او پیشنهاد اجرای آن آهنگ را نمود. حسن گلنراقی، سالها در بازار به تجارت ظروف چینی اشتغال داشت. شعر ترانه مرا ببوس، از سروده های حیدررقابی (هاله) است. حسن گلنراقی در ۱۹ مهرماه ۱۳۷۲ چشم از جهان فرو بست.

گل نوش [Gol Nuš]: از الحان عهد ساسانیان و منسوب به بارید در مدح بهار و زیبایی طبیعت.

گلوکن شپیل [Golkenšepil]: از آلات کوبه ای، متشکل از میله های کوچک فلزی بصورت دوشاخه ای بشکل Y و نوارهای فلزی به سبک شستی های پیانو. این ساز بر روی پایه ای مستقر است. وسعت صوت این ساز یک گام کروماتیک، شامل دو اکتاو از سی بمل روی خط سوم حامل به بعد است.



گلوئی [Galūwi]: قسمتی از ساختمان سه تار و تنبک که به اسم گلو هم خوانده میشود.

گلهها، برنامه رادیویی [Barnāme-ye Rādioi Golhā]: در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به ابتکار زنده یاد داود پیرنیا، برنامه ای حاوی موسیقی سنتی ایرانی، همراه با شعر در رادیو تولید و پخش شد که نامش، برنامه گلهها بود.

در این برنامه. آهنگهای هنرمندان زیر را اجرا می کردند: علی نقی وزیری، روح اله خالقی، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، جواد معروفی، علی تجویدی، مرتضی محجوبی، درویش خان، عارف و شیدا. خوانندگانی که با این برنامه همکاری داشتند عبارت بودند از: ادیب خوانساری، تاج اصفهانی، غلامحسین بنان، عبدالعلی وزیری، حسین قوامی، عبدالوهاب شهیدی، محمودی خوانساری، اکبر گلپایگانی، مرضیه، آذر عظیمی، محمد رضا شجریان، خاطره پروانه، حمیرا، عهدیه، پروین، ج - ص و ویگن.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

نوازندگان برنامه گلها عبارت بودند از: ابوالحسن صبا، مهدی خالدی، جهان پناه (ویلن)، مرتضی محجوبی (پیانو)، جلیل شهنواز، لطف اله مجد، فرهنگ شریف و سرخوش (تار)، احمد عبادی (سه تار) حسن کسایی (نی)، حسین تهرانی و امیر ناصر افتتاح (ضرب) رضا ورزنده (سنتور)، شیر خدائی (قره‌نی)، ایزدی (ویلن سل) و احمد مستان (کنترباس).

با گسترش برنامه های رادیویی، برنامه گلها نیز تنوع یافت و اکثراً دو برنامه اجرا میشد:

۱- گلهای جاویدان که در آن یک یا دو ساز همراه با یک خواننده به اجرای برنامه می پرداخت و اشعار آن بیشتر از شعرای قدیم ایران نظیر: سعدی، حافظ و مولوی بود.

۲- گلهای رنگارنگ که اشعار آن بیشتر از شاعران معاصر نظیر؛ رهی معیری، نواب صفا، معینی کرمانشاهی، منیر طه و دیگران انتخاب میشد.

داود پیرنیا بمدت ده سال برنامه گلها را اداره کرد. او در آبان ماه ۱۳۴۵ چشم از جهان فرو بست. از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲، بعد از درگذشت زنده یاد داود پیرنیا، ابتداء محمد میرنقیبی با همکاری رهی معیری برنامه گلها را اداره نمود و پس از فوت رهی معیری، زنده یاد پژمان بختیاری با میرنقیبی آغاز به همکاری نمود تا اینکه سازمان رادیو تلویزیون این برنامه را به هوشنگ ابتهاج (سایه) واگذار کرد. میرنقیبی از فارغ التحصیلان هنرستان موسیقی ملی و همدوره استاد حسین علی ملاح میباشد.

گل هائی که تحت نظر زنده یاد داود پیرنیا و پس از کناره گیری و درگذشت ایشان توسط دیگران تنظیم و پخش شده است بشرح زیر است:

گل‌های جاویدان	۱۵۷ شماره
گل‌های رنگارنگ	۵۱۸ شماره
برگ سبز	۳۱۲ شماره
شاخه گل	۴۶۵ شماره
گل‌های صحرائی	۶۲ شماره
گل‌های تازه	۲۰۱ شماره

در زمینه جمع آوری برنامه گلها، صدا خانه ملی ایران شماره ۲ در لس آنجلس اقدام نموده و امید است در آینده نام هر برنامه و هنرمندان آن چاپ و منتشر گردد.

گله خاک [Gale Xák]: از نواهای موسیقی ایل های کوچ نشین ایران است.

گلی اصفهانی [Goli Esfehāni]: آقاگلی اصفهانی از تار سازان مشهور که در اصفهان زندگی می کرد و در آن شهر چشم از جهان فرو بست.

گلی، قاسم [Qāsem Goli]: کم دین مشهور که در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند، قاسم گلی از صدای خوب ولی تعلیم ندیده ای برخوردار است و ترانه های فکاهی که خود می سراید را می خواند.

گلین [Galīn]: دسته مطرب زنانه دوران مظفرالدین شاه که بسیار شهرت داشت. گلین سر دسته این گروه، ضرب بسیار زیبا می نواخت، او صدای خوش داشته و زیبا می رقصید. رقاصه های این گروه عبارتند از: ملوس، جلیس، توران و صدیقه.

گنج افراسیاب [Ganje Afrāisyāb]: از هفت گنج خسرو پرویز و از الحان بارید است.

گنج باد آورد [Ganje Bādāvārd]: لحن ۱۶، از الحان سی گانه بارید در عهد ساسانیان. این لحن بخاطر شهربراز، سردار بزرگ ایران و فاتح مصر، به سبب دستیابی به گنجینه امپراطور روم ساخته است.

گنج خضرا [Ganje Xazrā]: یکی از هفت گنج خسرو پرویز و نام نوایی در موسیقی قدیم ایران.

گنج دار یا گنج وار [Ganj-dār yā Ganj-vār]: از الحان موسیقی در عهد ساسانیان.

گنج دیبه [Ganje Dibe]: (دیبه خسروی): یکی از هفت گنج خسرو پرویز و نام نوایی در موسیقی قدیم ایران است.

گنج ساخته [Ganje Sāxte]: لحن شانزدهم از سی لحن بارید است.

گنج سوخته [Ganje Suxte]: گنج پنجم، از گنج های هشت گانه خسرو پرویز و لحن هجدهم از الحان سی گانه بارید.

گنج شادی [Ganje Šádi]: یکی از هفت گنج خسرو پرویز و نام نوایی در موسیقی قدیم دوره ساسانیان است که به گنج شادورد نیز معروف است.

گنج شایگان [Ganje Šaygân]: همان گنج باد آورد میباشد.

گنج عروس [Ganje Arus]: گنج اول از گنج های هشت گانه خسرو پرویز و از الحان بارید.

گنج فریدون [Ganje Fereydun]: یکی از الحان موسیقی قدیم ایران.

گنج کاروان [Ganje Karvân]: نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران.

گنج گاو [Ganje Gáv]: که بنام های گنج گاوان، گنج گاو میش، گنج جمشید، گنج کاووس و گنج شادورد نیز مشهور است. گنج گاو، لحن هفدهم از الحان سی گانه بارید است.

گنجه‌ای، داود [Dávud Ganjei]: داود گنجه‌ای در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در شهر ری بدنیا آمد. در ۱۳ سالگی به فراگیری دستگاه‌ها و ردیف‌های موسیقی آوازی ایران بمدت ۷ سال اهتمام ورزید. او آموختن ویلن را نزد هنرمندی بنام والیش آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۶ به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفته و لیسانس خود را در موسیقی دریافت می‌کند.

داود گنجه‌ای نواختن کمانچه را مدیون آموزش‌های استاد سعید هرمزی و ویلن را مدیون استاد ابوالحسن صبا میداند.

گنجه‌ای در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی، در تکمیل ردیف‌ها از محضر نورعلی برومند بهره‌ها گرفت و هفت سال متوالی با زنده یاد استاد محمود کریمی ردیف‌های آوازی را آموخت. ساز تخصصی داود گنجه‌ای، ویلن است ولی تمام تلاش خود را جهت سبک شناسی کمانچه مبذول داشته است.

داود گنجه‌ای در نوجوانی بر اثر سانحه قطار به سختی آسیب دید بطوری که به قطع یک پا از زیر زانو و یک پای دیگر از انگشتان او منجر شد. او آنچنان در رفع این مشکل کوشید که کمتر کسی است بتواند نقص عضو او را تشخیص دهد.

نویسنده دانشنامه با داود گنجه‌ای ساعت‌ها در تالار رودکی به گفتگو پرداخته و به نقص عضو او پی نبرده است.

آ,â A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám) وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdán) وحدان O,o V,v (Zále) زاله Z,z

گنجه ای، کامبیز [Kámbiz Ganjei]: کامبیز گنجه ای در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در شهر ری بدنیا آمد در کودکی آغاز به نواختن ضرب نمود و تحت نظر پدر هنرمندش داود گنجه ای و با راهنمایی های او زیر نظر محمود فرهمند بافی و سپس نزد ناصر فرهنگ فر به آموختن و نواختن ضرب پرداخت. کامبیز گنجه ای از سال ۱۳۶۶ به سمت مربی ضرب در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران مشغول بکار است.

گنجه ای، موسی [Musá Ganjei]: مهندس موسی گنجه ای، برادر هنرمند گرانقدر داود گنجه ای در ۱۵ بهمن ۱۳۲۳ در شهر ری بدنیا آمد. او پیش از آنکه به یادگیری و نواختن تار بپردازد، با ردیف های موسیقی ایرانی و مقام ها و گوشه های آن آشنائی داشت. او نواختن تار را در دوران آخر سال تحصیل دبیرستان نزد استاد رضا وهدانی آغاز نمود، و سپس به هنرستان عالی موسیقی رفت.

موسی گنجه ای پس از اتمام تحصیلات خود در رشته مهندسی نقشه برداری به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و از محضر استاد هائی چون: نورعلی خان برومند، داریوش صفوت و محمد رضا لطفی فیض برد.

گنجی [Ganji]: خواننده دربار شاه عباس اول است که بدستور این پادشاه کشته شد.

گنجی [Ganji]: از معروف ترین چنگی های ایل قشقائی است. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به قشقائی، موسیقی نگاه کنید.

گنگ [Gong]: از آلات کوبه ای با صدائی دهشت آور، متشکل از صفحه ای گرد و فلزی (برنجی یا مسی) با لبه های برآمده که توسط آویزی در هوا معلق است. سر کوبه را نمذ پیچیده و بر آن کوبند.

گواتی بلوچستان، موسیقی [Musiqye Gováti Balucestán]: گوات به معنی باد است و گواتی به بیماری اطلاق میشود که گرفتار گوات یا باد شده است. مردم بلوچستان معتقد به ارواح هستند و ارواح را برحسب شکل و نحوه عمل و شدت عمل و سایر خصوصیات به پنج نوع تقسیم می کنند که عبارتند از: زارها، بادها، جن ها، دیوها و مشایخ. زارها خود به ۱۵ نوع، باد به ۱۲ نوع و جن ها به انواع و اقسام مختلف تقسیم شده اند. حال اگر فردی گرفتار یک یا چند از این موجودات پنداری شود، تعادل جسمی و روحی خود را از دست میدهد و هیچ پزشکی نمیتواند آنها را درمان کند!!!، تنها خلیفه میتواند

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

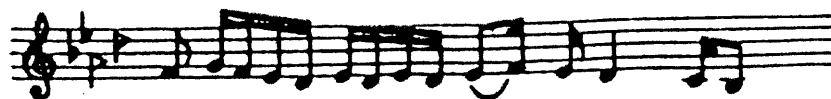
باد را مهار کند و خلیفه با موسیقی بیمارش را درمان می کند.

معمولاً در ابتدای مجلس، قصیده ای در توصیف شیخ عبدالقادر جیلانی (گیلانی) خوانده میشود، با خواندن این قصیده، مجلس بتدریج بحرکت می افتد و ذکرها یکی پس از دیگری آغاز میشوند، واکنش بیمار در برابر هریک از ذکرها باعث تکرار و تداوم آن ذکر میشود. بیمار شروع به لرزش می کند. او در حالی که روی دو زانو نشسته، سر و بدن خود را می جنباند. با افزایش شور مجلس بیمار به مرز بی خود شدن میرسد. در این مرحله ممکن است باد بیمار زیر شود!!

در صورت زیر شدن باد بیمار، مجلس به پایان میرسد. در غیر اینصورت مجلس به شب یا شب های بعد موکول می گردد. مبتلایان به باد و یا جن!، معمولاً از طبقه تهیدست و محروم بلوچستان هستند! مراسم گواتی، دارای مرحله ها یا درجه های چندی است. هر کدام از این مرتبه ها به وضعیت بیمار و شدت بیماری او بستگی دارد. متن آوازهای گواتی، در ستایش از «لعل شهباز قلندر» و «شیخ عبدالقادر جیلانی» است. شیخ عبدالقادر جیلانی معروف به غوث، سر سلسله مشایخ است که طریقت قادریه را بنا نهاده است.

گوار [Govar]: موسیقی دان اهل اتریش که در زمان قاجاریه، دسته موزیک کامران میرزا نایب السلطنه را اداره می کرد. همزمان با گوار، لومر فرانسوی؛ شعبه موزیک دارالفنون را اداره می کرد.

گواشت [Govast]: یکی از آوازهای شش گانه در موسیقی مقامی گذشته ایران. این شش آواز عبارتند از: نوروز، سلمک، گردانیه، گواشت، مایه و شهناز. صفی الدین ارموی آنرا هفتاد و یکمین دایره محسوب می کند.



گودرزی، بهرام [Bahram Gudarzi]: بهرام گودرزی، خواننده خوش صدا در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او آموزش های لازم را از استاد ادیب خوانساری، استاد اسماعیل مهراثش و استاد محمود کریمی گرفت. او اولین مجری آواز موسیقی سنتی بهنگام افتتاح تلویزیون در سال ۱۳۴۷ بود.

گودرزی، پیش از انقلاب حدود دویست آواز و ترانه اجرا کرده که اکثراً از تلویزیون پخش گردیده است. پس از انقلاب حدود پنجاه آواز و ترانه از او توسط مرکز و اشاعه موسیقی سنتی ایران ضبط و پخش شده

وات های (النسای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران i, i (Voklan) وجدان v, v O, o (Cub) جوب u, u C, c Z, z زاله (Zale) Z, z
 خیم (Xayyam) X, x Y, y غرق (Qarq) Q, q جمع (Jamw) W, w J, j سرکش (Sarkes) S, s K, k S, s آدم (Adam) A, a Á, a

است.

گودرزی، حمید [Hamid Gudarzi]: نوازنده زیردست نی که با گروه موسیقی حافظ به سرپرستی علی تحریری همکاری نزدیک دارد.

گودرزی، غلامرضا [Qolám-Rezá Gudarzi]: غلامرضا گودرزی در قیطره شمیران بدنیا آمد و از کودکی بسوی موسیقی گرایش شدیدی از خود نشان داد، او فن موسیقی را در هنرستان ملک فرا گرفت. در سال ۱۳۶۸ به سمت مربی سرود مدارس ناحیه ۶، ۱۸ و ۱۹ تهران منصوب شد. غلامرضا گودرزی از سال ۱۳۷۰ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود. ساز اصلی این هنرمند ضرب است و با نواختن سنتور، نی و دف نیز آشنائی کامل دارد. غلامرضا گودرزی در حال حاضر در هنرستان ملک و یکی از آموزشگاههای موسیقی در کرج تدریس می کند.

گودرزی، منوچهر [Manucehr Gudarzi]: از معلمین موسیقی در آموزشگاه استاد حسین ملک در تهران.

گورانی [Guráni]: از انواع موسیقی باستانی ایران و یکی از نواهای بهاری است که بهنگام دمیدن سبزه و گل و هم چنین در مراسم عروسی و شادمانی اجرا میشود. امروزه این نوع موسیقی را در موسیقی کردی و عرفانی شاهد هستیم.

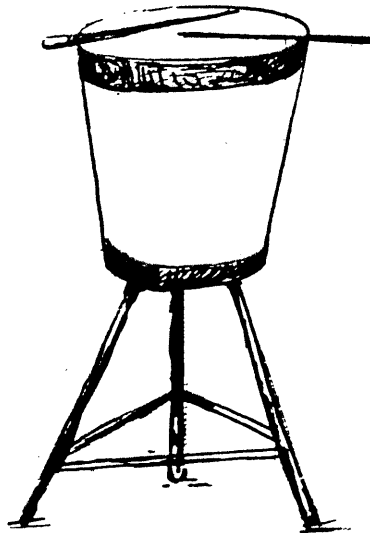
گورانی، سعید [Sawid Guráni]: سعید گورانی، ویلن نواز شهرستان بروجرد، در سال ۱۳۱۹ خورشیدی بدنیا آمد، از کودکی گرایش به سمت موسیقی پیدا نمود. او در حال حاضر در بروجرد زندگی می کند.

گورگن (گورگن زرگریان) [Gurgen Zargaryán]: تعمیرکار اتوموبیل (ترانسمیشن) در لس آنجلس که تحت نظر کامل علیپور به خوانندگی روی آورده است. از گورگن چندین آلبوم تاکنون ضبط و پخش شده است.

گورگه [Gavorge]: از آلات کوبه ای، بزرگتر از نقاره، نوعی طبل که در جنگها با آهنگ مناسبی می نواختند. اصل گورگه، گورکا به معنی طبل و کوس است. امروزه در گلپایگان از واژه گبرکه و در مشهد گورگا

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vokán) وكدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zále)

به معنی کمان آهنی (کباده) استفاده میشود و هم چنین در تهران بنام آهنگی که مرشد در زورخانه بهنگام میل گرفتن می خواند و می نوازند نیز اطلاق میشود.
نام دیگر این ساز گورگا میباشد.



گورگه (ساخته شده در کارگاه سازگری هنرستان عالی موسیقی)

گوژوین، دانیل [Dányel Gojvin]: خواننده مشهور اپرا در تالار رودکی که پس از انقلاب ۵۷ به آمریکا مهاجرت نموده است.

گوسان [Gusàn]: لطفاً به کوسان نگاه کنید.

گوسان ارمنی، موسیقی [Musiqiye Gusàne Armani]: واژه گوسان در زبان ارمنی، از زبان پارتی وام گرفته شده است.

گوسانها، خنیاگرهای قدیمی هستند که کلیسا و نویسندگان مذهبی ارمنی سابقاً با دیده تحقیر به آنها نگاه می کردند و همواره در جهت ضرب و شتم و آزار آنها برمیآمدند.

تکفیر دستگاه مذهبی ارمنیان، حداقل تا سده دوازده میلادی یادآور جور و ظلمی است که مذهب یون به موسیقیدانها می کردند. در فرهنگ خنیاگری ارمنی، به عنوان عاشوق بر می خوریم. در حقیقت عاشوق های ارمنی، ادامه دهندگان سنت خنیاگری گوسانهای ارمنی هستند. سنت خنیاگری ارمنی، نمونه هائی از قدیمی ترین شکل های شعر بی قافیه ارمنی را در خود نگاه داشته است. در این شعرها، تعدادی هجاهای غیر جفتی وجود دارد که شبیه بحرهای شعر ایران باستان است. واژه عاشوق در موسیقی ارمنی، از سده ۱۷ میلادی متداول شده است. وزن های موجود در موسیقی عاشوقی ارمنی گوناگون است، از آن جمله،

بیات آور، بایاتی، غزل، داستان، مستتراد، قوچما، دیوانی. عاشوق های ارمنی، اغلب نام های غیر ارمنی
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) O,o V,v چوب (Cub) U,u C,c زاله (Zale) Z,z

داشته اند نظیر؛ باقراغلی، غیرتی، محجوبی، یتیم اغلان، غول آرزونی و البته تعدادی از آنها نام ارمنی داشته اند نظیر: مانا، گیلو، آرتم و مکو.

در متن آوازهای عاشوقی ارمنی به واژه های فارسی، ترکی و گرجی نیز بر می خوریم. از سده ۱۹، هنگامی که ملی گرایی در میان ارمنیان رُشد یافت، عاشوق های ارمنی نیز از نامیده شدن به وسیله نام های غیر ارمنی خودداری کردند و حتی برای خود واژه گوسان را برگزیدند.

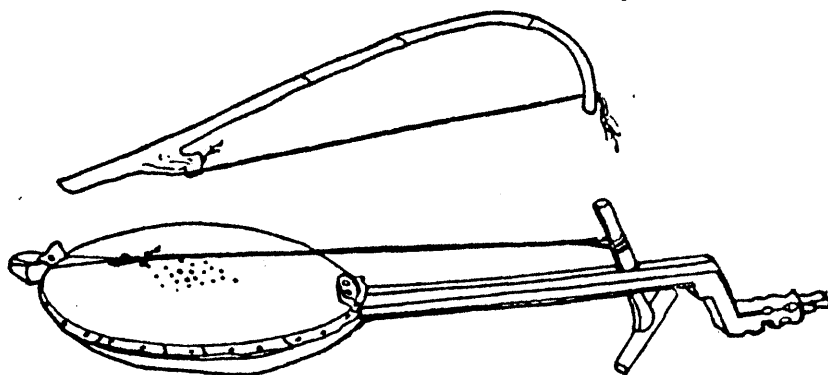
در فرهنگ عاشوقی ارمنی، نام ناهایت کوچاک، به عنوان نخستین عاشوق ارمنی آمده است که مربوط به سده ۱۶ میلادی است.

لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به عاشوق ها و آوازهای آنها به عاشوق نگاه کنید.

گوسلی یا گوسله [Gusli yâ Gusleh]: سازی است با یک نام و دو چهره:

۱- سازی است رشته ای مقید، از رده کمانچه که با کمانه نواخته میشود.

۲- سازی است رشته ای مطلق، از رده قانون.



گوش دریده [Gus-darride]: به طبل کوچک یا طبلک اطلاق میشود. در فرهنگ زاكس به گوش دریده، یک نوع دایره ایرانی اشاره شده است.

گوش مال [Gus-mâl]: کوک نمودن آلات زهی موسیقی به طریق مرسوم، یعنی پیچانیدن گوشی های ساز که این عمل را گوش مال یا گوش مالی هم می گویند.

گوشه [Guse]: بخشی از ساختمان دستگاه در موسیقی ایران. گوشه در موسیقی ایران تابع گام اصلی دستگاه یا آواز و در موارد نادر، دارای دانگ خاص بخود میباشد. نظیر؛ مویه و حصار در چهارگاه یا موالیان در همایون. گوشه ها، پایه های خلاقیت براساس بداهه نوازی محسوب میشوند.

گوشه ابراهیمی [Guşeye Ebrâhimi]: یکی از گوشه های موسیقی ایرانی است که در مقام عشاق نواخته میشود. این گوشه را منسوب به ابراهیم موصلی میدانند.

گوشه چهارگاه [Guşeye Châr-gâh]: از نغمه های دستگاه همایون.

گوشه چهارگاه



گوشی [Guşi]: اهرم متحرک چوبی یا فلزی در آلات زهی موسیقی و محل اتصال یک سرسیم های ساز که عامل کوک نمودن ساز نیز محسوب میشود. شکل و جنس گوشی ها در آلات موسیقی براساس ساختمان و اصالت ساز، متفاوت است. در سنتور، گوشیه ها؛ فلزی و در تار و سه تار و کمانچه از چوب است.

گوشی تار [Guşiye Târ]: ساز تار دارای ۶ گوشیه چوبی است که در محلی بنام سرپنجه در دو طرف جانبی آن تعبیه شده است. هر گوشیه از دو قسمت ساقه و سر بطول ۸ تا ۸/۵ و قطر، دایره سرگوشیه ۳ تا ۳/۵ سانتی متر تشکیل یافته است.

گوشی تنبور [Guşiye Tanbur]: نظیر گوشیه های سه تار است. لطفاً به گوشیه سه تار نگاه کنید.

گوشی رباب [Guşiye Robâb]: شش گوشیه بزرگ بطول ۵ سانتی متر و ۱۰ گوشیه کوچک بطول ۷ سانتی متر در رباب خراطی میشوند.

گوشی سنتور [Guşiye Santur]: گوشیه های سنتور از جنس فولاد ضد زنگ ساخته میشود. در سنتورهای ۹ خرکی، ۷۲ گوشیه وجود دارد. گوشیه ها در ردیف منظم چهارتائی از سیم های زرد شروع و به سیم سفید ختم میشوند. طول هر گوشیه ۶ سانتی متر است که ۲/۵ سانتی آن به داخل کلاف جنبی بدنه سنتور فرو رفته و ۳/۵ سانتی متر آن بیرون است.

گوشه سه تار [Guşiye Setâr]: چهارگوشی از جنس چوب بطول ۵ سانتی متر و پهنای سرگوشی ۱/۸ میلی متر و قطر دایره و محل کونیک گوشه ها حدود ۶/۵ میلی متر است.

گوشی عود [Guşiye ud]: گوشه های ده گانه عود، پنج جفت سیم را نگاه میدارند. و نظیرگوشی های ویلن خراطی میشوند. طول گوشه عود، ۷ سانتی متر است.

گوشی قانون [Guşiye Qânun]: قطعه کوچک چوب جهت حفظ سیم ها و در نتیجه کوک قانون است که بشکل استوانه‌ای یا چهارضلعی میباشد. طول گوشه قانون هفت سانتی متر میباشد، و جنس آن از چوب شمشاد و یا چوبهای محکم است.

گوشی قیچک [Guşiye Qeycak]: از جنس چوب گردو و بطول ۱۲ سانتی متر میباشد. این گوشه ها نظیر، گوشه تار یا کمانچه خراطی میشوند. قیچک، چهارگوشی بزرگ و چهارگوشی کوچک دارد.

گوشی کمانچه [Guşiye Kamance]: کمانچه دارای چهارگوشی از جنس گردو، بطول ۱۱ و قطر ۲/۵ سانتی متر است.

گوشی ویلن [Guşiye Viyolon]: ویلن دارای چهارگوشی از جنس آبنوس میباشد که کوک ساز بوسیله تنظیم آنها صورت می گیرد.

گوگردچی، کریم [Karim Gugerdci]: هنر آموز رشته آهنگسازی در هنرستان موسیقی تبریز که در سال ۵۸ بدستور روح اله خمینی تعطیل گردید.

گوگوش (فائقه آتشین) [Guquş]: هنرمند توانای ایران خانم گوگوش در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۲۸ در محله سرچشمه بدنیا آمد.

گوگوش دوران ابتدائی را در دبستان ودادی گذراند. در آن زمان پدر و مادرها از اینکه گوگوش با فرزندانشان در یک کلاس درس می خواند، خشنود نبودند. بهمین منظور بیشتر گوگوش بطور خصوصی با یکی از آموزگاران درس می خواند.

در کلاس پنجم به سبب اینکه، گوگوش شبها در کاباره ها و کافه ها برنامه داشت، پدرش او را زودتر از پایان سال تحصیلی از مدرسه برد و معلم او، خانم گیتی که گوگوش او را بسیار دوست میداشت و به او؛ خانم

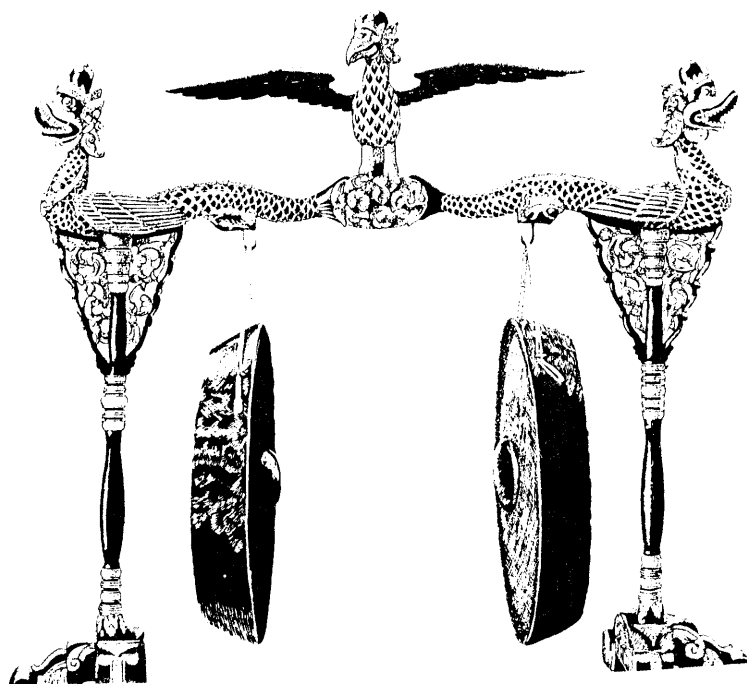
(Xayyam) خیام X,x Y,y غرق (Qarq) Q,q جمع (Jamw) W,w J,j سرکش (Sarkes) S,s K,k S,s آدم I(Adam) A,a A,a وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u راه (Zale) Z,z

معلم خوشگله خطاب میکرد، از او امتحان جداگانه گرفت.

پدرش صابر آتشین از هنرمندان مشهور ایران بود. گوگوش هنرمندی است که پیش از انقلاب بزرگ و کوچک همه او را دوست داشتند و شهرت او از مرزهای ایران بیرون رفته و جهان گیر شده بود. ۲۰ سال سکوت او تا سال ۲۰۰۰ نیز از محبوبیت او نکاست و اینک فعالیت مجدد او را در خارج از کشور شاهدیم. گوگوش هنرمندی است که بنا به گفته خانم زویا زاکاریان، شیشه دل مردمی است که سالها با او نفس کشیده اند، با خوشحالی او خوشحال شده اند و با اندوه او غمگین، خانم زاکاریان اعتقاد دارد که گوگوش در یک کلام مهمترین هنرمند ما بوده و هست و گمان نمی رود که هیچ شخصیت سیاسی؛ فرهنگی به اندازه ایشان در قلب مردم نفوذ کرده باشد. گوگوش هنرمندی است مهربان و دوست داشتنی که هیچگاه علاقه ای نداشته و ندارد که او را بزرگتر از آنچه هست معرفی کنند. گوگوش دارای قوه تمیز در کارهای هنری اش است و تیزی او باعث شده که در قلب مردم ایران جاویدان بماند. از گوگوش نزدیک به دوست ترانه و دهها فیلم سینمایی وجود دارد که تمامی ترانه های او کلاسیک شده اند و بارها تجدید چاپ.

گوگوش در حال حاضر با همسرش مسعود کیمیائی، کارگردان مشهور سینمای ایران در تور جهانی به هنرنمایی پرداخته و در ضمن در فیلم جدید همسرش نقش دختر فیدل کاسترو را بازی می کند. جدیدترین آلبوم این هنرمند گرانقدر؛ زرتشت نام دارد:

گونگ [Gong]: سازی است کوبه ای شکل از یک صفحه مدور فلزی از جنس برنز و کوبه ای دارد که بر سر آن نم یا شیفون و یا پارچه ابریشمی پیچیده اند و با آن بر لوح برنزی می کوبند. نام دیگر این ساز تام - تام است.



À,â A,â آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,ĵ W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
 Ž,ž زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voĵdán) I,í ایران (Írán) وات های (الفصای) نوین برای درست خواندن

گونگ چند نوع دارد: ۱- گونگ برمه ای با وزن زیاد و صدای سنگین ۲- گونگ چینی با وزن کمتر از نوع برمه ای آن که رنگش روشن است ۳- گونگ ترکی که کمتر از دونوع اول رواج دارد و از نظر شکل، رنگ و جنس شبیه به سنج است و صدایش ملایم است.

گوهر، تاتر [Teâtre Gouhar]: تاتر قدیمی تهران در سالهای ۱۳۱۵ و بعد از آن که محلی برای فعالیت خوانندگان آن زمان بود.

گوهر خماری [Gohar Xomâri]: خواننده و نوازنده دایره در دوران ناصری و همدوره با خانم امیرزاده و زهرای تهرانی و مرضیه که شیدا برایش تصنیف ساخته است.

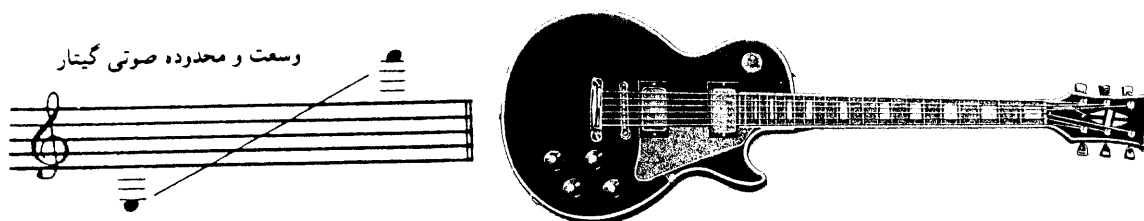
گیتا [Gitâ]: خواننده مردمی و کوچه و بازار در پیش از انقلاب. از این خواننده کاست و CD ترانه هائی چون: نامه رسان، بنفشه، بگو بخند، قاصدک، فکر و خیال و فال حافظ موجود میباشد.

گیتار [Gitâr]: از آلات زهی و زخمه‌ای که با انگشت یا مضراب سه گوش نواخته میشود. گیتار از لحاظ شکل ظاهری، شباهت به عود دارد. گیتار دارای دسته‌ای است که تا حدود یک سوم طول کاسه یا جعبه طنینی اش به روی صفحه رو امتداد یافته و حدود دوازده دستان فلزی کوبیده و ثابت بر روی آن مشهود است که از آن ۶ سیم با کوک: می، لا، ر، سل، سی، می از بم به زیر از روی دسته عبور نموده و به گوشی‌ها در انتهای دسته متصل هستند.

میدان صوتی گیتار سه تا چهار اکتاو و نت نویسی آن با کلید سل خط دوم انجام میگردد. نت های گیتار را باید یک اکتاو بم تر خواند.

گیتار از آلات موسیقی رشته ای مقید است. زادگاه این ساز به یقین مشخص نیست. تحول این ساز در سده ۱۲ میلادی صورت گرفته است. نخستین کتاب در باب گیتار را با خوان کارلوس آما (Juan Carlos Amat) نوشت که در سده ۱۷ میلادی در ایتالیا و فرانسه به چاپ رسیده است.

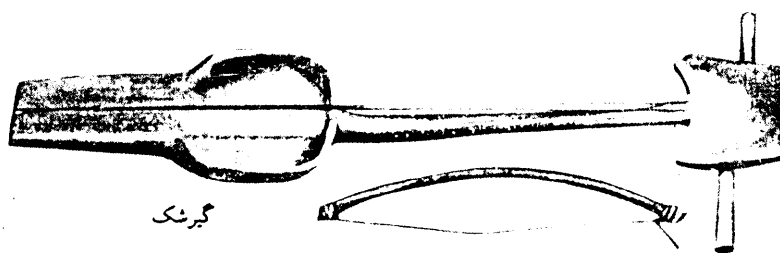
در اواخر سده ۱۷، سیم ششم به گیتار افزوده گشت. گیتار انواع مختلف دارد از آن جمله: گیتار استیل یا پولادین. گیتار هاوایی، گیتار الکتریکی که بوسیله تقویت کننده (آمپلی فایر) کار می کند. در یکی از پرده های نقاشی مربوط به عهد صوفیه، نوازنده ای ترسیم شده که سرگرم نواختن سازی است که نه عود است و نه تنبور و جعبه طنینی آن نظیر گیتار و دارای ۵ سیم میباشد.



گیتی [Giti]: زنده یاد گیتی، خواننده خوش صدای ترانه ماندگار «گل مریم» و همدوره با زنده یاد هایده، و خوانندگانی چون: مهستی، حمیرا و رامش بود. این خواننده مشهور در فیلمی بنام سفر سنگ با سعید راد همبازی بود. گیتی، همسر سابق مسعود کیمیائی کارگردان مشهور سینمای ایران، که همسر فعلی خانم گوگوش است بود.

گیتی وند، شاه عباس [Šáh-Abbás Gitivand]: از خوانندگان مشهور و قدیمی لرستان و استاد نغمه های معروف «مور».

گیرشک یا گیدشک [Giršak yâ Gidsak]: سازی است رشته ای مقید از رده رباب، کمانچه و یا غیژک. گیرشک سازی است ابتدائی که کاسه طنینی و دسته آن یکپارچه و از چوب است و دارای دو سیم است که با کمانه نواخته میشود.



گیلکی [Gilaki] از گوشه های آواز دشتی و منسوب به لهجه محلی گیلک، از لهجه های مشهور شمال ایران. نواختن آهنگهای گیلکی در زمان قاجاریه بین موسیقیدانها مرسوم بوده است. گیلکی، در ابوعطا نیز به اجرا در می آید.

گیلکی



À,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,ž وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) و جدان O,o V,v چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,ž

گیلکی حاجی تاج [Gilaki-e-Hájitáj]: گوشه گیلکی به طریقه خواندن حاجی تاج نیشابوری.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاده (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن